



رضا مختاری

تصویر روبرو صفحه‌ای از کتابی فقهی است که در اوایل سده هشتم هجری تألیف شده و در تصحیح آن چند مسامحه رخ داده است:

اولاً در سطر ۴ در عبارت منقول از مبسوط شیخ، به جای «فعل من الأفعال التي لا يصح فعله»، «فعل من الأفعال التي لا يصح فعلها» درست است. زیرا ضمیر «فعلها» به «التي» برمی‌گردد و نه «فعل». گذشته از این دلیل، در خود مبسوط (ج ۱، ص ۱۹) و برخی نسخه‌های خطی کتاب مورد نقد هم «فعلها» آمده است. البته در مبسوط به جای «بالطهارة» هم «بطهارة» آمده است، ولی این اختلاف چندان تأثیری در معنی ندارد.

یکی از فواید تخریج اقوال در کتاب تصحیحی این است که در بسیاری از مواقع وجه صحیح عبارت فهمیده می‌شود و مصحح را بر انتخاب وجه صحیح یاری می‌دهد. و وظیفه مصحح است که دقیقاً مطالب منقول را با مآخذ مقابله کند و اختلافات معنایی و لفظی مغیّر معنی را ملحوظ دارد، و اگر مؤلف اشتهاً قولی را به کسی نسبت داده، یادآوری کند.

صفحه‌ای از کتابی فقهی که در سالهای اخیر تصحیح و نشر شده است.

أجمع علماءنا على وجوب النية في الوضوء، واختلفوا في كيفيةها بعد اتفاقهم على وجوب قصد الفعل والقربة.

فقال الشيخ - رحمه الله - في (المبسوط): كيفيةها أن ينوي رفع الحدث أو استباحة فعل من الأفعال التي لا يصح فعله إلا بالطهارة مثل الصلاة والطواف؛ وهو اختيار ابن إدريس^۱.

والذي يلوح من كلام السيد المرتضى وجوب نية استباحة الصلاة^۲.

وقال الشيخ في (النهاية): إذا نوى بالطهارة القربة جاز له أن يدخل بها في الفرائض والنوافل^۳.

وقال أبو الصلاح: حقيقة النية العزم عليه بصفاته المشروعة لرفع الحدث واستباحة الصلاة لوجوبه قربة إلى مكلفه سبحانه، وموضعها في ابتدائه، فإن أخل بها المتوضئ، أو بشيء من صفاتها فوضوؤه باطل^۴.
والحق عندني اختياره في (المبسوط).

۱: المبسوط: ۱۹: ۱.

۲: حكاية عنه الشهيد في غاية المراد: ۸، والسيد العاطل في مفتاح الكرامة: ۱: ۲۱۵.

۳: النهاية: ۱۵.

۴: الكافي في الفقه: ۱۳۲.

بحث گرفته باشد. و اتفاقاً در محل بحث ما، هم مصدر اصلی کلام سیدمرتضی در دست است و هم - بجز مصدر اصلی - منبع متقدم بر کتاب مورد بحث. ماخذ اصلی سخن سید، «ناصریات» است (مسأله ۲۴، ص ۲۱۹، ضمن الجوامع الفقهية) و شهید هم در غایة المراد (ج ۱، ص ۳۴، تحقیق راقم این سطور) پس از ذکر قول سیدمرتضی همان دلیلی را که وی در ناصریات اقامه کرده برای مدعائی وی ذکر کرده است و مصدر متقدم بر کتاب مورد بحث هم مسائل طبریه (ضمن الرسائل التسع، ص ۳۱۷) تألیف محقق حلی است که این قول را به سیدمرتضی نسبت داده است. (البته چون الرسائل التسع بعد از کتاب محل بحث منتشر شده، مصحح از این بابت کوتاهی نداشته است).

گذشته از همه اینها، عاملی در مفتاح الكرامة (ج ۱، ص ۲۱۵) این قول را از سیدمرتضی نقل نکرده، بلکه نسبت نظر دیگری به وی را نقل کرده؛ زیرا فرموده است:

و كيفية النية أن يُقرَّر في نفسه أنه يتوضأ رفعاً للحدث و استباحة الصلاة قرابة إلى الله تعالى، و نسبة الصيمري و نجيب الدين إلى المرتضى. (مفتاح الكرامة، ج ۱، ص ۲۱۵).

و بالاخره آخرین سخن اینکه عمده مقدمه التحقيق کتاب مورد نقد هم ماخوذ و مقتبس از مقدمه التحقيق «ارشاد الأذهان» (چاپ دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین) است و نویسنده مقدمه التحقيق فراموش کرده اند این نکته را یادآوری کنند و به سبب کمی دقت در نقل، دچار اشتباهاتی شده اند. محض نمونه صفحه اول مقدمه التحقيق ارشاد الأذهان را با صفحه اول مقدمه التحقيق کتاب مورد بحث مقایسه کنید.

تذکر: برخی از دوستان گرامی مشفقانه تذکر داده اند که در «بیشتر دقت کنیم» شماره قبل، لحن سخن تنداست. از این بابت، پوزش می طلبم و از آن دوستان سپاسگزارم.

ثانیاً به دنبال نقل سخن شیخ، مؤلف فرموده است: «و هو اختیار ابن ادریس»، و مصحح با شماره ۱ آن را به پانویشت ارجاع داده، ولی در پانویشت تنها نشانی سخن شیخ آمده و نه ابن ادریس. و با اینکه بنای مصحح این بوده که اقوال را تخریج کند، با وجود این ماخذ سخن ابن ادریس را نشان نداده است. شاید علتش این بوده که در سرائر ابن ادریس چنین سخنی نیافته اند؛ زیرا وی در اوایل بحث «کیفیه الوضوء» در سرائر سخنی از لزوم نیت رفع حدث یا استباحه به میان نیاورده و فقط گفته است: فإن كانت الطهارة واجبة... نوى وجوبه على الجملة، أو الوجه الذي له وجب، و كذا إن كان ندباً، لیتمیّز الواجب من الندب، و لوقوعه على الوجه الذي كُلف إيقاعه. (سرائر، ج ۱، ص ۹۸، چاپ دفتر انتشارات اسلامی). ولی در پایان همین مبحث، به لزوم نیت رفع حدث یا استباحه تصریح کرده و گفته است: ... لأن الوضوء الثاني ما استباح به الصلاة و لا رُفِعَ به الحدث، و إجماعنا منعقد على أنه لا تستباح الصلاة إلا بنية رفع الحدث، أو نية استباحة الصلاة بالطهارة، فأمّا إن توضأ الإنسان بنية دخول المساجد أو الكون على طهارة... فلا يرفع حدثه، و لا استباح بذلك الوضوء الدخول في الصلاة... (سرائر، ج ۱، ص ۱۰۵، چاپ دفتر انتشارات اسلامی).

ثالثاً مؤلف فرموده است: «والذي يلوح من كلام السيد المرتضى وجوب نية استباحة الصلاة». و مصحح در پانویشت با شماره ۲ گفته است: «شهید در غایة المراد و عاملی در مفتاح الكرامة (ج ۱، ص ۲۱۵) چنین قولی را از سیدمرتضی نقل کرده اند»، در حالی که غایة المراد و مفتاح الكرامة از آثار متأخر از کتاب مورد نقدند و ارجاع به مصدر متأخر - تا هنگامی که مصدر اصلی یا منابع متقدم بر کتاب مورد تصحیح در دست است - لزومی ندارد و چه بسا مصدر متأخر از همان کتاب مورد

